

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره چهاردهم، پاییز ۱۳۸۸: ۹۹-۱۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

کارنامه‌ی خیام‌پژوهی در سده‌ی چهاردهم

کاووس حسن‌لی*

سعید حسام‌پور**

چکیده

درباره‌ی دانشمند و سخن‌سرای بلند آوازه‌ی ایرانی، حکیم عمر خیام نیشابوری و آثار برجسته‌ی او به ویژه شعرش، نوشته‌های گوناگون پدید آمده است، اما در گستره‌ی خیام‌پژوهی هنوز جای بسیاری از پژوهش‌های بایسته و مطالعات بنیادی خالی است. در نگاهی کلی به آثاری که در ایران در پیوند با خیام پدید آمده است، می‌توان این کارنامه را به پیش از سال ۱۳۰۰ خورشیدی و پس از آن تقسیم کرد: در بخش نخست، در منابع و اسناد کهن، مطالب ضد و نقیض درباره‌ی خیام فراوان است و در شکل‌گیری و گسترش پژوهش‌های بخش دوم، ترجمه‌ی انگلیسی ادوارد فیتزجرالد از رباعیات خیام، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا افزون بر این که این ترجمه، توجه جهانیان را به خیام و ایران جلب کرد، بسیاری از پژوهشگران ایرانی را نیز برانگیخت تا با دقت و درنگ بیشتری به زندگی و شخصیت خیام بپردازند و البته ضد و نقیض‌هایی که در اسناد و منابع کهن وجود داشت و همچنین شیوه‌ی نگرش خیام پژوهان موجب شد رویکردهای گوناگون در گستره‌ی خیام‌شناسی معاصر پدید آید.

نویسندگان این مقاله در یک طرح پژوهشی گسترده، نزدیک به سه سال به شناسایی، معرفی و بررسی تمامی آثاری پرداختند که در سده‌ی چهاردهم (از سال ۱۳۰۰ تا پایان سال ۱۳۸۰ خورشیدی) در پیوند با خیام در ایران پدید آمده، یا از زبان‌های دیگر به فارسی برگردانده شده است. آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، بررسی کلی کارنامه‌ی خیام‌پژوهی در سده‌ی چهاردهم است که با ارائه‌ی جدول‌ها و نمودارهای زمانی و موضوعی بازنموده شده است.

واژه‌های کلیدی: خیام‌پژوهی، مقاله، کتاب، زمان، موضوع

Farsi_dept@rose.shirazu.ac.ir

Shessampour@yahoo.com

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

مقدمه

درباره‌ی دانشمند و سخن‌سرای بلند آوازه‌ی ایرانی، حکیم عمر خیام نیشابوری و آثار برجسته‌ی او بویژه رباعی‌هایش، پژوهش‌های گوناگون صورت گرفته است، اما در گستره‌ی خیام پژوهی هنوز جای بسیاری از پژوهش‌های بایسته و مطالعات بنیادی خالی است.

نویسندگان این مقاله همواره بر این باور بوده‌اند که شناسایی، معرفی و بررسی آثاری که در پیوند با اندیشمندان و شاعران بلند آوازه‌ی این مرز و بوم مانند فردوسی، خیام، حافظ، مولوی و ... پدید آمده‌اند ضرورت و اهمیت بسیار دارد. پژوهشی که پژوهشگران و ادب‌دوستان را یاری دهد تا بتوانند تصویری روشن از پژوهش‌های انجام شده در پیوند با بزرگان ادب به دست آورند و از تحقیقات تکراری و غیرضروری بپرهیزند.

نویسندگان این مقاله در یک طرح پژوهشی گسترده نزدیک به سه سال به شناسایی، معرفی و بررسی تمام آثاری پرداختند که در سده‌ی چهاردهم (از سال ۱۳۰۰ تا پایان سال ۱۳۸۰ خورشیدی) در پیوند با خیام در ایران پدید آمده، یا از زبان‌های دیگر به فارسی برگردانده شده است و نتیجه‌ی این طرح به یاری خداوند در آینده‌ی نزدیک به صورت کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

آن چه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، بررسی کلی کارنامه‌ی خیام پژوهی در سده‌ی چهاردهم است که با ارائه‌ی جدول‌ها و نمودارهای زمانی و موضوعی بازنموده شده است.

بررسی کارنامه‌ی خیام پژوهی

در نگاهی کلی به آثاری که در ایران در پیوند با خیام پدید آمده است، می‌توان این کارنامه را به پیش از سال ۱۳۰۰ خورشیدی و پس از آن تقسیم کرد: در بخش نخست، در منابع و اسناد کهن، مطالب ضد و نقیض درباره‌ی خیام فراوان است که برخی از پژوهشگران مانند اسماعیل یکانی در کتاب *نادره‌ی ایام، عمر خیام و علی دشتی* در کتاب *دمی با خیام* به این موضوع پرداخته‌اند. در شکل‌گیری و گسترش پژوهش‌های بخش دوم، ترجمه‌ی انگلیسی ادوارد فیتزجرالد از رباعیات خیام، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا افزون بر این که این ترجمه، توجه جهانیان را به خیام و ایران جلب کرد، بسیاری از

پژوهشگران ایرانی را نیز برانگیخت تا با دقت و درنگ بیشتری به زندگی و شخصیت خیام بپردازند و البته ضد و نقیض‌هایی که در اسناد و منابع کهن وجود داشت، موجب شد رویکردهای گوناگون در گستره‌ی خیام‌شناسی معاصر پدید آید که نویسندگان این مقاله در نوشته‌ای دیگر این رویکردها را در پنج گروه دسته‌بندی کرده‌اند.

تاریخچه‌ی خیام‌پژوهی در بخش مقاله‌ها

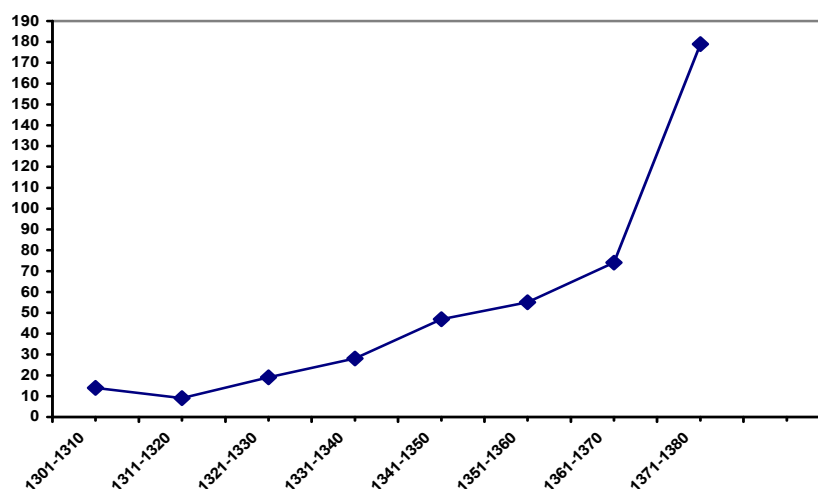
مقاله‌هایی را که در پیوند با خیام پدید آمده است، می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون بررسی کرد. در این نوشته، مقاله‌های یاد شده از دیدگاه «زمانی» و «موضوعی» بررسی می‌شود:

الف- بررسی مقاله‌ها از دیدگاه زمانی

جدول شماره‌ی ۱: توزیع زمانی مقاله‌ها

درصد	تعداد	زمان
۳/۲۹	۱۴	۱۳۰۱-۱۳۱۰
۲/۱۱	۹	۱۳۱۱-۱۳۲۰
۴/۴۷	۱۹	۱۳۲۱-۱۳۳۰
۶/۵۸	۲۸	۱۳۳۱-۱۳۴۰
۱۱/۲۹	۴۷	۱۳۴۱-۱۳۵۰
۱۲/۹۴	۵۵	۱۳۵۱-۱۳۶۰
۱۷/۴۱	۷۴	۱۳۶۱-۱۳۷۰
۴۲/۱۱	۱۷۹	۱۳۷۱-۱۳۸۰
	۴۲۵	تعداد کل مقالات

نمودار شماره‌ی ۱: توزیع زمانی مقاله‌ها



این نمودار، توزیع زمانی مقاله‌ها را از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۸۰ شمسی، ده سال به ده سال نشان می‌دهد. در این نمودار دیده می‌شود که در سه دهه‌ی نخست سده‌ی چهارده هجری، تعداد اندکی مقاله در پیوند با خیام به زبان فارسی منتشر شده است. روشن است که در این سه دهه، خیام پژوهی در ایران در آغاز راه بود و هنوز تحقیقات پرشماری در این باره انجام نشده بود. در این مدت آوازه‌ی خیام در غرب بیشتر پیچیده بود، اما هنوز جنبه‌های زیادی از ابعاد زندگی، شخصیت و اندیشه‌ی خیام روشن نبود. خوشبختانه در همین سه دهه پژوهشگران نامداری چون عباس آشتیانی، سعید نفیسی، محمد قزوینی، صادق هدایت، مجتبی مینوی و بدیع‌الزمان فروزانفر، هر یک به گونه‌ای می‌کوشند تا به یاری اسناد و آثار تاریخی، ابهام‌های زندگی و شعر خیام را بر طرف سازند و پایه‌های خیام پژوهی را بنا نهند. این اندیشمندان با نوشتن هجده مقاله از مجموع سی و دو مقاله در این دوره، کوشیده‌اند راه ناهموار خیام پژوهی را برای آیندگان تا حدی هموار سازند و هنوز هم برخی از مقاله‌های آنان، مرجع و منبع مهمی برای تحقیق به شمار می‌رود.

عباس آشتیانی با نوشتن مقاله‌های کوتاهی مانند «قدیم‌ترین نسخه‌های رباعیات خیام» و «مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه در خصوص تولد خیام» و «راجع به

احوال عمر خیام نیشابوری» کوشید برخی ابهام‌ها مانند دیدگاه‌های متفاوت درباره‌ی تولد خیام (که گمان می‌شد ۴۵۵ هـ.ق است) و چگونگی مناسبات خیام و ابن‌سینا را روشن سازد. ایشان همچنین با آوردن دلایل مستند، اشتباه فردریک روزن را تصحیح کرد و نشان داد چرا این اشتباه به وجود آمده است؟ (فردریک روزن با استناد به گفته‌ی گلیوس دانشمند هلندی خیام را لو کری دانسته بود) (اقبال، ۱۳۵۰: ۲۵۷-۲۶۲).

سعید نفیسی با نوشتن مقاله‌های «یک سند چاپ نشده درباره‌ی خیام» و «ملاحظات در باب بعضی از اشعار فارسی خیام» جعلی بودن انتساب بسیاری از رباعیات به خیام را گوشزد کرد.

محمد قزوینی با دقت ویژه در حواشی **چهار مقاله** و در مقاله‌ای با عنوان «تکمله در خصوص خیام» توضیحاتی ارزشمند درباره‌ی لقب خیام و قدیم‌ترین منابع در پیوند با زندگی و اندیشه‌ی خیام ارائه داد که هنوز هم خیام‌پژوهان به مطالب قزوینی در این مورد پی‌در پی ارجاع می‌دهند.

بدیع‌الزمان فروزانفر در مقاله‌ای زیر عنوان «قدیم‌ترین اطلاع از زندگانی خیام» تأکید کرد که کتاب **الزاجر للصغار**، نوشته‌ی جلال‌الله زمخشری، قدیم‌ترین کتابی است که در آن اطلاعاتی از زندگانی خیام دیده می‌شود و قدمت این کتاب بیش از کتاب‌های **تمه‌ی صوان الحکمه** و **چهار مقاله** است.

در این دوران همچنین صادق هدایت با نوشتن مقاله‌ی «مقدمه‌ای بر رباعیات خیام»، دیدگاه خود را درباره‌ی اندیشه و شخصیت خیام بیان کرد و البته ایشان ده سال بعد در کتاب **ترانه‌های خیام** برخی از مطالب این مقاله را تغییر داد. تفاوت دو اثر یاد شده، در این است که هدایت در اثر نخست، مواردی مانند انکار معاد و ستیز با صانع را به خیام نسبت نداده بود، در حالی که در مقدمه‌ی **ترانه‌های خیام** با نگاهی بدبینانه و پوچ‌انگارانه به بررسی اشعار و شخصیت خیام پرداخت و خیام را یک پوچ‌گرای بی‌اعتقاد معرفی کرد. چنین می‌نماید که هدایت در «مقدمه‌ی رباعیات حکیم خیام» واقع بینانه‌تر به نقد و واکاوی رباعیات پرداخته و بعدها دیدگاه او تغییر کرده است. شاید یکی از دلایل آن، تأثیر پذیرفتن از فضای حاکم بر اروپا پس از جنگ جهانی باشد که یأس و بدبینی و پوچ‌انگاری بسیاری از اندیشمندان غرب را فرا گرفته بود، همچنین شرایط سیاسی و اجتماعی آن روز ایران نیز هدایت را عاصی‌تر کرده بود. در اثر دوم، بیشتر

چهره‌ی خود هدایت به جای خیام دیده می‌شود.

اتفاق دیگری که در مباحث خیام پژوهی در این دوران می‌افتد، ترجمه‌ی نوشته‌های رضا توفیق و حسین دانش از زبان ترکی به فارسی است که بخش اندکی از آن را محمدرضا هشرودی در سال ۱۳۰۲ ه. ش زیر عنوان «خیام و رباعیات او» ترجمه می‌کند و بخش‌های زیادتری از آن را اسماعیل یکانی در سال ۱۳۰۶ ه. ش به فارسی بازمی‌گرداند و در شماره‌های متعدد نشریه‌ی «طوفان هفتگی» به چاپ می‌رساند. بعدها اسماعیل یکانی در کتاب ارزشمند خود، با نام **نادره‌ی ایام، حکیم عمر خیام** بخش‌های زیادی از این مطالب را نقل می‌کند.

همچنین بزرگ علوی با مقاله‌هایی به نام «خیام شاعر» و «خیام و دوره‌ی او» افزون بر بررسی اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر خیام - البته با رویکردی که بیشتر به افکار افراد حزب توده نزدیک است - برخی از زمینه‌های پیدایش اندیشه‌ی خیام را تحلیل می‌کند.

در همین دوره، یوسف میرزا یانس که نماینده‌ی آرامنه در مجلس شورای ملی بود با نوشتن مقاله‌ی «حکیم عمر خیام و فلسفه‌ی شاعری وی» بنا به گفته‌ی خودش، می‌کوشد، میان ایرانیان و آرامنه پیوند برقرار سازد. گفتنی است در این نوشته تأثیر باورهای مذهبی نویسنده به روشنی دیده می‌شود، به گونه‌ای که نگارنده، نگرش خیام درباره‌ی مهر و مهرورزی را برجستگی بخشیده، حتی سخنان خیام را با حواریون حضرت عیسی همانند دانسته است. در این دوره همچنین غلامحسین مصاحب (۱۳۲۰ ه. ش) با نوشتن مقاله‌ی «جبر و مقابله‌ی خیام» کوشید بعد دیگری از ابعاد شخصیتی خیام را در زمینه‌ی دانش‌های ریاضی و جبر به جامعه‌ی ایرانی باز شناساند. در دهه‌ی چهارم (۱۳۳۱-۱۳۴۰ ه. ش) مقاله نویسی درباره‌ی خیام، رشد کیفی چندانی نسبت به گذشته ندارد و جز نوشته‌های اندیشمندانی مانند عبدالحسین زرین‌کوب، تقی بینش و احسان طبری مطلب ویژه‌ی دیگری درباره‌ی خیام نوشته نشده است.

شادروان عبدالحسین زرین‌کوب در یک مقاله‌ی دو بخشی با عنوان «پیر نیشابور» (۱۳۳۲-۱۳۳۳ ه. ش) با نثری دل‌نشین، میزان اثر گذاری رباعیات خیام را بر ذهن و روان خود باز گفته است و با بررسی شایسته‌ی چهره‌ی خیام در تاریخ و افسانه‌ها، ابعاد

شخصیتی او را بررسی کرده است و در بخش دوم، پیام و محتوای شعر خیام را به خوبی واکاوی کرده و آن را پیش‌روی مخاطب گسترده است؛ در آمیختن مضامین و گاه واژه‌ها و عبارات برخی از رباعیات خیام در بحث‌ها و نتیجه‌گیری، نثر نوشته را غنی‌تر و زیباتر ساخته است، اما با این همه، سخن تحقیقی تازه‌ای از دل این نوشته بر نمی‌آید.

در این دهه احسان طبری با مقاله‌های «درباره‌ی برخی از اندیشه‌های خیام و ریشه‌های اجتماعی و تاریخی آن» و «آزاد اندیشی حافظ و خیام» براساس دیدگاه سیاسی-اجتماعی خود کوشید، اندیشه‌های خیام را درباره‌ی هدف زندگی، کیش لذت، مرگ و عبث بودن حیات انسانی، با توجه به زمینه‌های اجتماعی عصر خیام واکاوی کند. در این مقاله، کیش لذت و پاپيروس مصری و کیش لذت در فلسفه‌ی هند و یونان نیز بررسی و کوشش شده به برخی همانندی‌ها میان عصر خیام و دورانی که این عقاید در کشورهای پیش گفته پدید آمد، اشاره گردد و نتیجه‌گیری شود که «شکاکیت و لذت‌پرستی خیام برای دوران خود یا برای دوران حافظ که یکی از داهی‌ترین مروجین بسیاری از اندیشه‌های خیام بود، بی‌شک یک فلسفه‌ی اپوزیسیون و یک جریان مترقی شمرده می‌شد. بشر امروز می‌داند که کمک به ایجاد یک جامعه‌ی بدون طبقات و مجهز به عالی‌ترین تکنیک و عالی‌ترین دموکراسی می‌تواند خوشبختی واقعی انسان را تأمین کند...» (طبری، ۱۳۵۸: ۲۱۹) ناگفته پیداست که نگارنده بیشتر کوشیده همزمان با پرداختن به اندیشه‌های خیام، عقاید و باورهای حزبی خود را، هر چند گاه کم ارتباط با موضوع، بیان کند.

در همین دهه، تقی بینش پس از غلامحسین مصاحب که درباره‌ی دانش جبر و ریاضی خیام نوشته بود، با نوشتن دو مقاله‌ی «شخصیت علمی خیام» (۱۳۳۶ ه. ش) و «شناخت زر و سیم» (۱۳۳۷ ه. ش) به بررسی توانایی علمی خیام در علم کیمیا پرداخت.

جریان دیگری که در این دوره به آن توجه بیشتری شد، ترجمه‌ی نوشته‌های پژوهشگران خارجی در پیوند با خیام بود. از جمله این ترجمه‌های ارزشمند، می‌توان به «مقدمه‌ی رباعیات خیام» نوشته‌ی آرتور آبربی، «فیتز جرال» نوشته‌ی پیتز ایوری و «عمر خیام در ایتالیا» نوشته‌ی الکساندر بوزانی اشاره کرد.

آرتور آبربی در مقدمه‌ی خود بر ترجمه‌ی رباعیات خیام به زبان انگلیسی، درصدد

پاسخ‌گویی به این پرسش است که چرا با وجود ترجمه‌ی انگلیسی بسیار معروف فیتزجرالد، دوباره رباعیات را به انگلیسی باز گردانده است؟ البته بیشتر این نوشته را معرفی و بررسی نسخه‌های خطیب (نسخه‌ی چیستر بیٹی) و نسخه‌ی تهران (کمبریج) در بر می‌گیرد. در این نوشته به شرح و بررسی زیباشناختی چند رباعی خیام نیز پرداخته شده تا دلایل مترجم برای ترجمه‌ی دوباره، قوی‌تر باشد.

در دهه‌ی پنجم (۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰ ه. ش) و ششم (۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰ ه. ش) رشد نسبتاً خوبی در تعداد و تنوع مقاله‌های منتشر شده، دیده می‌شود. شاید دلایل این رشد را بتوان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. آماده شدن بیشتر فضای خیام پژوهی با مقالات و کتاب‌هایی که در دهه‌های گذشته به چاپ رسیده بود و آشنایی بیشتر خیام دوستان با پژوهش‌هایی که در داخل و خارج ایران در این باره انجام شده بود.

۲. چاپ کتاب‌های ارزشمند در این دوره، کتاب‌هایی مانند *نادره‌ی ایام، حکیم عمر خیام نوشته‌ی اسماعیل یکانی* (۱۳۴۲ ه. ش)، *دمی با خیام نوشته‌ی علی دشتی* (۱۳۴۴ ه. ش) *خیامی نامه نوشته‌ی جلال‌الدین همایی* (۱۳۴۶ ه. ش)، *منظومه‌ی خیام وار فیتز جرالده نوشته‌ی مسعود فرزاد* (۱۳۴۸ ه. ش) و *خیام شناسی نوشته‌ی محمد مهدی فولادوند* (۱۳۴۸ ه. ش).

چنین می‌نماید که تنوع مطالب مطرح شده در این کتاب‌ها، به ویژه کتاب‌های *نادره‌ی ایام، عمر خیام و دمی با خیام* در برانگیختن پژوهشگران و خیام دوستان در نوشتن مقاله با موضوع‌های متنوع بی‌تأثیر نبوده است.

چنان‌که پیشتر اشاره شد در دهه‌های نخست، بیشتر آثار و اسناد تاریخی در پیوند با خیام، بررسی و واکاوی شده بود و در این دو دهه خیام پژوهان به دنبال موضوع‌های دیگری بودند. برای نمونه در دهه‌ی پنجم، برای نخستین بار مقاله‌هایی در نقد و معرفی کتاب‌هایی که در پیوند با خیام نوشته شده بود، در نشریه‌ی راهنمای کتاب چاپ شد که از آن جمله اند: «دمی با خیام، اثر علی دشتی» نوشته‌ی حسین خدیو جم (۱۳۴۸ ه. ش) و «رباعیات عمر خیام» (معرفی و بررسی کتاب *نادره‌ی ایام عمر خیام*، اثر اسماعیل یکانی) نوشته‌ی یونس جعفری (۱۳۴۹ ه. ش).

برخی از خیام پژوهان دیگر که در این دوره هر کدام به سهم خویش برگی بر

کارنامه‌ی خیام‌پژوهی افزودند، عبارتند از:

محمد علی اسلامی ندوشن در مقاله‌های «نیشابور و خیام» (۱۳۴۲ هـ.ش)، «آرامگاه خیام» (۱۳۴۲ هـ.ش) «خیام و فردوسی»، با توصیف دقیق و زیبای شهر نیشابور و برداشت عاطفی و احساسی خود از اوضاع اجتماعی و جغرافیایی و فرهنگی آن شهر و در آمیختگی آن با مضامین و مفاهیم رباعیات، نوشته‌ای خواندنی به یادگار گذاشت. آن چه را باید ارج نهاد، تلاش نگارنده برای جستن پیوندهای هنری میان اوضاع جغرافیایی و اجتماعی و فرهنگی نیشابور با رباعیات است. ایشان همچنین به تفصیل به چگونگی اثر پذیری خیام از اندیشه‌های فردوسی پرداخته است.

محسن هشرودی در مقاله‌های «ریاضی‌دان شاعر و شاعر ریاضی‌دان» و «خیام یا شاعر ریاضی‌دان» کوشید، بر این مطلب تأکید ورزد که مبدا به دلیل شهرت ویژه‌ی خیام در شعر و شاعری، بعد دیگر شخصیت او که دانش ریاضی است، به فراموشی سپرده شود که تأکیدی درست و شایسته بود. از همین رو نگارنده که خود از دانشمندان نام‌دار ریاضی در دوران معاصر است، گزارشی نسبتاً جامع از خلاقیت‌ها و نوآوری‌های خیام در گستره‌ی علم ریاضی ارائه داد.

محمود کتیرایی با نوشتن مقاله‌ی «صادق هدایت بنیان‌گذار خیام‌شناسی در ایران» (۱۳۴۹ هـ.ش) بر آن بود تا با نقد آثاری که پس از هدایت درباره‌ی خیام نوشته شده بود، اثبات کند که تقریباً همه‌ی خیام‌پژوهان پس از صادق هدایت، از شیوه‌ی او در گزینش رباعیات و دیدگاه‌های او درباره‌ی خیام وام گرفته‌اند.

در دهه‌ی ششم نیز این تنوع ادامه یافت و جواد حدیدی با تیزبینی و دقت زیاد، مقاله‌ای سه بخشی با عنوان «خیام در ادبیات فرانسه» نوشت. در این مقاله‌ی بلند، به خوبی تأثیر خیام بر ادبیات فرانسه بررسی شده است. به ویژه آن که در این مقاله هم تأثیرات مستقیم و هم تأثیرات غیر مستقیم به زیبایی نمایانده شده است. همچنین آشنایی نویسنده‌ی مقاله با خیام و رباعیات او و نگاه واقع بینانه‌ی او به شعر و اندیشه‌ی خیام، با استنادهای استوار بر ارزش علمی و غنای مقاله‌ی او افزوده است.

در این دوره همچنین خیام‌پژوهانی مانند فردین شیروانی و حسن شایگان با نوشتن یازده مقاله با موضوعات گوناگون درباره‌ی زندگی و شعر خیام، تحرک تازه‌ای به مطالعات خیام‌پژوهی بخشیدند. این دو در چند مقاله‌ی پیاپی، خیام را با اندیشمندان و

شاعرانی مانند شوپنهاور، بودا، غزالی، حافظ و ابوالعلا مقایسه کردند. از آن جا که این نویسندگان، بیشتر بر مادی بودن اندیشه‌ی خیام و بی‌اعتقادی او به معاد و روح تأکید ورزیدند، خیام پژوهانی مانند جعفر آقایانی چاووشی به پاسخ برخاستند. آقایانی چاووشی در پاسخ به مقاله‌های «نگاهی به دو زندیق؛ خیام و ابوالعلاء» (۱۳۵۶ ه. ش) و «آری دو زندیق بوده‌اند» (۱۳۵۷ ه. ش) دو مقاله با عنوان‌های «آیا ابوالعلا معری و عمر خیام زندیق بوده‌اند؟» (۱۳۵۶ ه. ش) و «زندیق نبوده‌اند» (۱۳۵۷ ه. ش) نوشت و با دلایلی نظر نویسندگان یاد شده را نقد و رد کرد.

در این دو دهه، مقاله‌های بیشتری از پژوهشگران غیر ایرانی به فارسی بازگردانده شد. برای نمونه به برخی موارد اشاره می‌شود:

«عمر خیام، منجم، ریاضی‌دان و شاعر» نوشته‌ی ج. ا. بویل، ترجمه‌ی فرهنگ جهانپور (۱۳۴۹ ه. ش) در این نوشته به منابع مختلف خیام پژوهی مراجعه شده و با استناد به آثار گوناگون، زندگی، اندیشه و شعر خیام به شایستگی معرفی شده است، اما در مجموع مطلب تازه‌ای در آن دیده نمی‌شود. تقریباً سه چهارم مطالب این کتاب، درست همان جملات و عباراتی است که ر. ن. فرای در بخش بیستم از کتاب تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه زیر عنوان «رباعی در ادب نخستین فارسی» و در همین بخش قسمت (ب) زیر عنوان «عمر خیام، منجم، ریاضی‌دان و شاعر» آورده است و البته بویل هیچ اشاره‌ای به این اثر نکرده است!

«نظریه‌ی خیام درباره‌ی خطوط موازی» نوشته‌ی ب. آ. روزنفیلد و آ. پ. یوشکویچ ترجمه‌ی پرویز شهریاری (۱۳۴۴ ه. ش) در این مقاله رساله‌ی شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس معرفی شده و به خوبی چگونگی روند تأثیرگذاری خیام بر دانشمندان ایرانی و اروپایی بررسی شده است. البته پس از این مقاله، جعفر آقایانی چاووشی در دو مقاله‌ی نسبتاً مفصل در ویژه‌نامه‌ی بزرگداشت خیام در فصلنامه‌ی فرهنگ (۱۳۷۹ ه. ش) به خوبی جریان یاد شده را تحلیل کرده و مدارک بیشتری در این باره ارائه کرده است.

در دهه‌ی هفتم (۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ ه. ش) رشد کیفی جریان خیام پژوهی ادامه نیافت. شاید تعطیلی دانشگاه‌ها و جنگ هشت ساله در این موضوع بی‌تأثیر نبوده باشد. در این دهه جز مقاله‌ی «یک دم میان دو عدم» نوشته‌ی غلامحسین یوسفی

(۱۳۶۹ هـ.ش) و «تأثیر فلسفه‌ی خیام بر یوف کور صادق هدایت» نوشته‌ی لئونارد بوگل، ترجمه‌ی فرزین یزدانفر، مقاله‌ی مهم دیگری دیده نمی‌شود. بیشتر مقاله‌های این دهه، محتوایی تکراری دارند و برخی نیز مانند مقاله‌های «آشنایی با مشاهیر» در «نشریه‌ی شاهد» و «آشنایی با مشاهیر جهان» در «پیک نفت» و «خیام اعتبار نیشابور» و «خیام، عطار و کمال الملک» در «جوانان امروز»، بیشتر برای مخاطبان عمومی نوشته شده‌اند و مبنای علمی و تحقیقی در آن‌ها دیده نمی‌شود.

در دهه‌ی هشتم (۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ هـ.ش) کارنامه‌ی خیام‌پژوهی خوشبختانه پر از برگ و بار می‌شود. در این دهه ۱۷۹ مقاله و گزارش درباره‌ی خیام در نشریات به چاپ می‌رسد. یکی از دلایل مهم رشد خیام‌پژوهی در این دوره این است که پس از سال‌ها انتظار، سرانجام کمیسیون ملی یونسکو، به مناسبت نه صدمین سالگرد وفات خیام، نخستین کنگره‌ی بین‌المللی را در سال ۱۳۷۹ برگزار می‌کند. در این کنگره ۳۴ مقاله ارائه می‌شود که تنها چکیده‌ی این مقالات به چاپ می‌رسد و اصل بیشتر این مقاله‌ها (به صورت مجموعه مقاله‌های کنگره) هنوز منتشر نشده است تا بتوان درباره‌ی کیفیت و محتوای آن‌ها داوری کرد.

برگزاری این کنگره نه تنها موجب ارائه‌ی ۳۴ مقاله شد، بلکه فضای ویژه‌ای را در میان اصحاب قلم پدید آورد. در نتیجه از ۱۷۴ مقاله‌ی پدید آمده در این دهه، حدود ۱۲۰ مقاله در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ چاپ و منتشر شد.

یکی دیگر از دلایل رشد خیام‌پژوهی در این دهه چاپ و انتشار دو شماره از فصلنامه‌ی «فرهنگ» (زمستان ۱۳۷۸ و پاییز - زمستان ۱۳۸۰) ویژه‌ی بزرگداشت خیام بود. در این دو مجموعه ۲۰ مقاله در پیوند با خیام به چاپ رسید؛ برای نمونه می‌توان به مقاله‌های «خیام و نومیوگرافی»، نوشته‌ی احمد شرف‌الدین، «گفتاری درباره‌ی رساله‌ی فی‌الکون و التکلیف»، نوشته‌ی بهناز هاشمی پور، «عمرالخیام و الموسیقی النظریه»، نوشته‌ی جعفر آقایانی چاووشی، «هستی‌شناسی حکیم عمر خیام»، نوشته‌ی حامد ناجی اصفهانی، «خیام و هندسه‌های ناقلیدسی»، نوشته‌ی جعفر آقایانی چاووشی، «موسیقی رباعیات اصیل حکیم عمر خیام»، نوشته‌ی احمد بیان، «عمر خیام و معماری»، آلبای اوزدورال، «بررسی رساله‌ای از خیام در هستی‌شناسی» و... اشاره کرد. مطلب مهم درباره‌ی محتوای مقاله‌های یاد شده، این است که در آن‌ها کوشش شده،

موضوعاتی متفاوت از آنچه تا زمان انتشار مقالات به چاپ رسیده، بررسی شود و جای چنین موضوعاتی در گستره‌ی خیام پژوهی خالی بوده است.

افزون بر مقاله‌های ارزشمند یاد شده در این دهه، می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد: «نقد آرای خیام در موسیقی» نوشته‌ی ساسان سپینتا (۱۳۷۹ هـ.ش)، مقاله‌ی «ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه‌ی انگلیسی فیتنر جرالده» نوشته‌ی لطف الله یار محمدی (۱۳۷۱ هـ.ش)، «تنگ می و نصف نان، سه ترجمه از رباعیات خیام»، نوشته‌ی اسکات جرمین، ترجمه‌ی حسن لاهوتی (۱۳۷۴ هـ.ش)، «سخنی درباره‌ی رساله فی الوجود از حکیم عمر بن ابراهیم خیام» نوشته‌ی غلامرضا جمشید نژاد اول (۱۳۷۹ هـ.ش)، «طبیعت در آثار و افکار خیام»، نوشته‌ی جعفر حمیدی (۱۳۷۹ هـ.ش)، «خیام، شاعر مرموز»، نوشته‌ی ژیلبر لازار، ترجمه‌ی سیروس ذکاء (۱۳۷۹ هـ.ش)، «سیر تحول آرامگاه خیام»، نوشته‌ی بهزاد نعمتی - فرامرز صابر مقدم (۱۳۸۰ هـ.ش)، «نوسان‌های معنا در برگردان فیتز جرالده»، نوشته‌ی محمد یوسف باقری (۱۳۸۰ هـ.ش)، «فهم رباعیات خیام چگونه شکل می‌گیرد؟»، نوشته‌ی فرهاد ساسانی (۱۳۸۰ هـ.ش).

با نگاهی کلی به موضوع مقاله‌های یاد شده، به روشنی می‌توان دریافت که نویسندگان این دوره کوشیده‌اند با نگاه‌هایی نوتر به بررسی رباعیات خیام پردازند. مطلب بسیار مهم درباره‌ی مقاله‌های این دهه آن است که با وجود رشد چند برابری مقاله‌ها، نسبت به دهه‌های پیشتر، تعداد مقاله‌های ارزشمند نسبت به گذشته کمتر است. به سخنی دیگر رشد کیفی مقاله‌ها همسنگ با رشد کمی آن‌ها نیست.

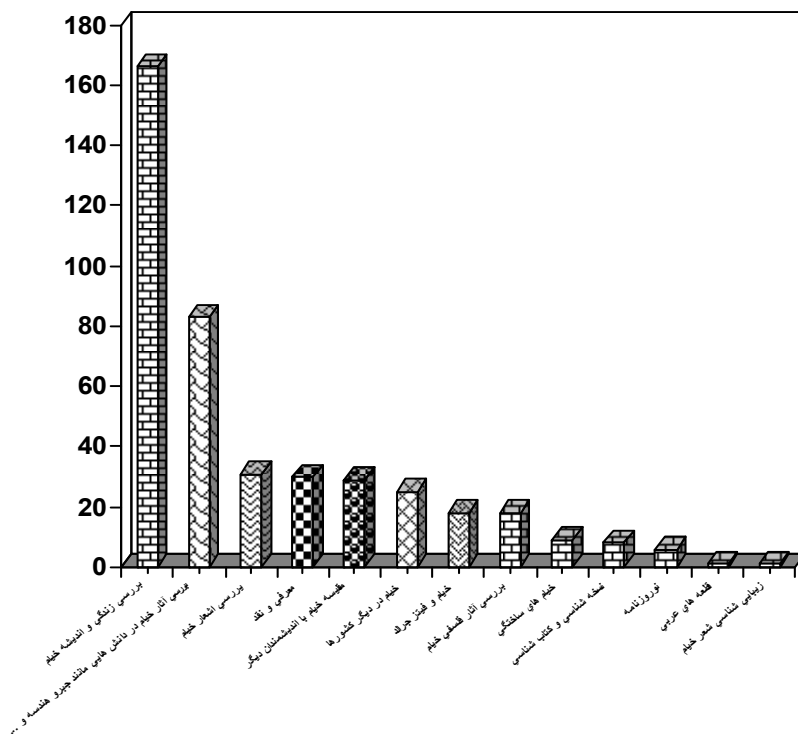
ب- بررسی مقاله‌ها از دیدگاه موضوعی

برای تحلیل مقاله‌ها، توزیع ۴۲۵ مقاله در جدول نموداری با ۱۳ عنوان به شرح زیر دسته بندی شده است:

جدول شماره ۲: توزیع موضوعی مقاله‌ها

ردیف	موضوع مقاله	تعداد مقاله	درصد
۱	بررسی زندگی، شخصیت و اندیشه‌ی خیام	۱۶۶	۳۹/۰۵
۲	بررسی آثار خیام در دانش‌هایی مانند جبر، هندسه، نجوم و موسیقی	۸۳	۱۹/۵۲
۳	بررسی اشعار خیام	۳۱	۱۷/۲۹
۴	معرفی و نقد نوشته‌هایی که در پیوند با خیام پدید آمده است	۳۰	۷/۰۵
۵	مقایسه‌ی خیام با اندیشمندان و شاعران دیگر	۲۹	۶/۸۲
۶	خیام در دیگر کشورها	۲۵	۵/۸۸
۷	خیام و فیتز جرالد	۱۸	۴/۲۳
۸	بررسی آثار فلسفی خیام	۱۸	۴/۳
۹	خیام‌های ساختگی	۹	۲/۱۱
۱۰	نسخه شناسی و کتاب‌شناسی	۸	۱/۸۸
۱۱	نوروزنامه	۶	۱/۴۱
۱۲	قطعه‌های عربی	۱	۰/۲۳
۱۳	زیبایی شناسی شعر خیام	۱	۰/۲۳
۱۴	تعداد کل مقالات	۴۲۵	۱۰۰

نمودار شماره ۲: توزیع موضوعی مقاله‌ها



همان گونه که نمودار نشان می‌دهد، بیشترین مقاله‌ها در پیوند با «زندگی، شخصیت و شعر خیام» است و در این رابطه ۱۶۶ مقاله، پدید آمده است. جذابیت و شهرت فلسفه و اندیشه‌ی خیام و نوشتن درباره‌ی شخصیت و ابعاد زندگی این اندیشمند نامی، بیشتر نویسندگان را به سوی خود کشیده است و در مقابل، کمتر به موضوع‌هایی مانند زیبایی‌شناسی شعر، نسخه‌شناسی، بررسی آثار کلامی و فلسفی خیام پرداخته شده است. در مقاله‌هایی که در پیوند با زندگی، شخصیت و اندیشه‌ی خیام نوشته شده، برخی موارد بحث انگیز پی در پی تکرار شده و نویسندگان مقاله‌ها کوشیده‌اند هر یک با استناداتی به آن پاسخ دهند، این موارد در چنددسته‌ی زیر خلاصه می‌شود:

الف) تاریخ تولد و وفات خیام:

تاریخ تولد و وفات خیام مانند بسیاری دیگر از بزرگان ایران زمین روشن نیست. تعدادی از این مقاله‌ها به بررسی این موضوع و تعیین تاریخ‌های متفاوت برای تولد و وفات خیام پرداخته‌اند.

ب) حکایت‌ها و افسانه‌های پدید آمده در پیوند با خیام.

هر چه ابهام درباره‌ی شخصیت و زندگی اندیشمند یا فرزانه‌ای بیشتر باشد به همان میزان حکایت‌ها و افسانه‌ها در پیوند با او بیشتر اجازه بروز می‌یابند و خیام از این قاعده مستثنی نیست.

ج) اشاره و تأکید بر شهرت جهانی خیام و نقش فیتز جرالدر به شهرت رساندن او.

د) تأکید بر نقش خیام در اصلاح تقویم جلالی و دانش ریاضی و هندسه‌ی او و حل معادلات چند مجهولی به دست وی.

هـ) بررسی محتوای رباعیات خیام و تأکید بر حیرت و شک خیام در معمای هستی و نگاه او به موضوع مرگ و زندگی.

گفتنی است تعداد نسبتاً زیادی از مقاله‌ها (۶۰ مقاله) که در پیوند با خیام پدید آمده است، بخشی از کتاب‌های شرح حال بزرگان یا تاریخ ادبیات هستند که تنها به تکرار حرف‌های پیشینیان بسنده کرده‌اند و هیچ سخن تازه‌ای در آنها دیده نمی‌شود.

بسیاری از این آثار، جنبه‌ی علمی و تحقیقی ندارند، تنها در چند اثر می‌توان رویکرد علمی و تحقیقی را دید. از این موارد می‌توان به بخش مربوط به خیام در کتاب‌های تاریخ ادبیات ادوارد براون، ذبیح الله صفا، یان ریپکا و رضازاده‌ی شفق اشاره کرد.

گاهی نیز مقاله‌های متعدد با موضوع یکسان و محتوای بسیار همانند نوشته شده است که ضرورت پدید آمدن مراجعی چون کتاب شناسی تحلیلی خیام را صد چندان می‌کند، زیرا پژوهشگر با مراجعه به چنین مراجعی در می‌یابد در زمینه‌ی خیام پژوهی چه موضوع یا موضوع‌هایی جای پژوهش و تحقیق دارد، برای نمونه درباره‌ی فیتز جرالدر و چگونگی ترجمه‌ی او از رباعیات و نقش فیتز جرالدر در شهرت جهانی خیام ۱۶ مقاله با عنوان‌هایی بسیار مشابه و محتوایی همانند نوشته شده است:

۱. خیام و فیتز جرالدر، حسین خطیبی نوری (بی تا)

۲. علل شهرت خیام در مغرب زمین، عیسی صدیق اعلم (۱۴-۱۳۱۳ هـ. ش)

۳. عمر خیام (شعراى ایران و مترجمین انگلیسی ایشان، آرتور آبرى (۱۳۳۲ هـ ش).
 ۴. فیتز جرالد و عمر خیام، پیتر یوری (۱۳۳۶ هـ ش).
 ۵. فیتز جرالد و خیام، پیتر یوری (۱۳۳۸ هـ ش).
 ۶. خیام و فیتز جرالد، مسعود فرزاد (۱۳۳۸ هـ ش).
 ۷. فیتز جرالد مترجم خیام یا خیام انگلستان، منوچهر بیات مختاری (۱۳۵۲ هـ ش).
 ۸. خیام و فیتز جرالد، (بی نا) ۵-۱۳۴۴ هـ ش.
 ۹. خیام شاعر و ترجمان انگلیسی او، حسن شهباز (۱۳۵۶ هـ ش).
 ۱۰. نگاهی به روایت فیتز جرالد، فردین شیروانی و حسن شایگان (۱۳۵۷ هـ ش).
 ۱۱. فیتز جرالد خیام و مشکل ترجمه‌ی شعر، مسعود خیام (۱۳۷۰ هـ ش).
 ۱۲. خیام فیتز جرالد، کاظم شرکت (۱۳۷۰ هـ ش).
 ۱۳. ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه‌های انگلیسی فیتز جرالد، لطف الله یارمحمدی (۱۳۷۱ هـ ش).
 ۱۴. ادوارد فیتز جرالد و ادبیات فارسی، پروین لؤلویی (۱۳۷۴ هـ ش).
 ۱۵. فیتز جرالد و ادبیات فارسی، اسماعیل زارع بهتاش (۱۳۷۹ هـ ش).
 ۱۶. نوسان‌های معنا در برگردان فیتز جرالد، محمد یوسف باقری (۱۳۸۰ هـ ش).
- از میان مقاله‌های یاد شده تنها مقاله‌ی سیزدهم و تا حدی شانزدهم، محتوایی متفاوت با دیگر مقاله‌ها دارند و مطالب مقاله‌های دیگر تقریباً با یکدیگر یکسان است. در بیشتر این مقاله‌ها درباره‌ی سه مطلب سخن گفته شده است. نخست زندگی و شخصیت فیتز جرالد، سپس چگونگی آشنایی او با ادبیات فارسی و خیام و رباعیات او به کمک ادوارد کاول و در ادامه چگونگی برگردان فیتز جرالد از رباعیات. بیشتر اینان در مطلب سوم از اثر ادوارد هرون آلن بهره گرفته اند. هرون آلن در این اثر به گونه‌ای تطبیقی رباعیات ترجمه شده را با اصل رباعیات خیام سنجیده و روشن ساخته است که هر رباعی از چه مأخذ یا مأخذی گرفته شده است و فیتز جرالد چه تغییراتی در آنها داده است.
- همچنین درباره‌ی ارتباط میان خیام و ابوالعلا و تأثیرپذیری خیام از ابوالعلا و

مقایسه‌ی اندیشه‌های این دو، چندین مقاله‌ی همانند نوشته شده است:

۱. ابوالعلا معری و خیام، ا.ج. آربری (۱۳۱۱ ه. ش).
۲. خیام و ابوالعلا معری، حسینی خطیبی نوری (۱۳۱۶-۱۳۱۵ ه. ش).
۳. ابوالعلا معری و خیام، عمر فروخ (۱۳۵۶ ه. ش).
۴. مقایسه‌ای بین ابوالعلا معری و خیام، محمد فاضلی (۱۳۵۶ ه. ش).
۵. نگاهی به دوزندقیق؛ خیام و ابوالعلا، فردین شیروانی و حسن شایگان (۱۳۵۶ ه. ش).
۶. آیا ابوالعلا و خیام زندیق بوده‌اند؟ جعفر آقایانی چاووشی (۱۳۵۶ ه. ش).
۷. زندیق نبوده‌اند، جعفر آقایانی چاووشی (۱۳۵۷ ه. ش).
۸. آری هر دو زندیق بوده‌اند، حسن شایگان (۱۳۵۷ ه. ش).
۹. دو عصیانگر عالم سوز: خیام و ابوالعلا، عبدالحسین فرزاد (۱۳۵۸ ه. ش).
۱۰. خیام و ابوالعلا معری، عبدالحسین فرزاد (۱۳۷۹ ه. ش).

مطلب مهم در مقاله‌های یاد شده، چگونگی ارتباط میان خیام و ابوالعلا، تأثیرگذاری ابوالعلا یا بی‌تأثیر بودن اندیشه‌های ابوالعلا بر خیام، تأکید بر وجود نوعی توارد اندیشه میان این دو و کشف شباهت و تفاوت‌های شیوه‌ی اندیشگانی خیام و ابوالعلا است. به سخن دیگر، پژوهشگرانی که در ارتباط با مقایسه‌ی این دو اندیشمند مطلبی نوشته‌اند، تأکید دارند که هر دو در تأیید عقل و خردورزی و اندیشه‌ی لادریه و جبر، دیدگاه یکسانی دارند، اما در چگونگی بهره گرفتن از نعمت‌های زندگی یکسان نمی‌اندیشند (فرزاد، ۱۳۷۹: ۶-۷). همچنین با توجه به دیدگاه‌های گوناگون و متناقض درباره‌ی خیام در شیوه‌ی مقایسه‌ی این دو نیز در میان پژوهشگران تفاوت‌هایی دیده می‌شود. برای نمونه افرادی مانند فردین شیروانی و حسن شایگان که با دیدگاهی مانند صادق هدایت به خیام می‌نگرند، خیام و ابوالعلا را زندیق می‌دانند و افرادی مانند جعفر آقایانی چاووشی با نقد آن دیدگاه، با ارائه‌ی دلایلی، خیام و ابوالعلا را خداپاور و معتقد به جهان آخرت معرفی می‌کند. گاه مقاله‌هایی نیز دیده می‌شود که تنها عنوان آنها ابوالعلا و خیام است؛ مانند مقاله‌ی سه بخشی «خیام و ابوالعلا معری» نوشته‌ی حسین خطیبی نوری (۱۳۱۶-۱۳۱۵) که محتوای مقاله با عنوان آن سازگاری ندارد.

مطلب دیگر در مورد مقاله‌هایی است که با موضوع خیام‌های ساختگی پدید آمده

است. در این باره برای نخستین بار، صدیقی نخجوانی در سال ۱۳۲۰ هـ.ش کتابی با عنوان **خیام پنداری** نوشت. پس از او مجتبی مینوی در سال ۱۳۴۲ هـ.ش در نشریه‌ی راهنمای کتاب در مطلبی زیر عنوان «خیام‌های ساختگی» نسبت به نسخه‌سازی درباره‌ی رباعیات خیام هشدار داد و یادآور شد نسخه‌های جعلی، تناقض درباره‌ی شخصیت خیام را در پی خواهد داشت و در سال ۱۳۵۲ هـ.ش محمد محیط طباطبایی به رغم پندار افرادی مانند مینوی که خیام‌های دیگر را ساختگی می‌دانستند، با استناد به مطلب یکی از آثار نه چندان مهم تاریخی، اعلام کرد که خیامی نیشابوری ریاضی دان و فیلسوف بوده است و علی بن خیام شاعر.

در پیوند با معرفی و نقد نوشته‌هایی که درباره‌ی خیام پدید آمده است، دو کتاب شایسته‌ی توجه است: کتاب **دمی با خیام** نوشته‌ی علی دشتی نسبت به آثار دیگر بیشتر نقد شده است. شاید دلیل این توجه، ترجمه شدن این کتاب به دست الول ساتن به زبان انگلیسی باشد. کتاب دیگری که سه نقد درباره‌ی آن پدید آمده، ترجمه‌ی انگلیسی **رباعیات خیام** به دست رابرت گریوز و عمر علی شاه است. دلیل این امر ادعای شگفت انگیز عمر علی شاه است، او بر این باور است که نسخه‌ی منحصر به فرد او از رباعیات خیام (!) تنها ۸۷ سال پس از درگذشت خیام استنساخ شده و از این رو قدیم‌ترین نسخه‌ی خطی موجود رباعیات خیام است. ادعای دیگر عمر علی شاه، این است که او از نوادگان و اعقاب خیام در افغانستان است. رباعیات این نسخه بیشتر تصویری صوفیانه از خیام را باز می‌نمایاند. یکی از منتقدان این اثر با آوردن چند نمونه از رباعیات ترجمه شده به دست رابرت گریوز و مقایسه با ترجمه‌ای که هرن آلن از رباعیات خیام داشته، به شایستگی نشان داده است که رباعیات نسخه‌ی جانفشان خان همان رباعیاتی است که هرن آلن در کتاب خود آن‌ها را معادل با ترجمه‌ی فیتز جرالده از رباعیات خیام قرار داده است. (مقدادی، بهرام، ۱۳۴۹: ۴۵۸)

درباره‌ی محتوای مقاله‌هایی که در پیوند با دانش ریاضی، نجوم و موسیقی خیام پدید آمده، می‌توان گفت برخی از این مقاله‌ها مانند مقاله‌ی «جبر و مقابله‌ی خیام» نوشته‌ی غلامحسین مصاحب (۱۳۲۰ هـ.ش) که در قالب کتابی با عنوان **حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر** در سال ۱۳۳۹ هـ.ش به چاپ رسید و «نظریه‌ی خیام درباره‌ی خطوط متوازی» نوشته‌ی سا.آ. روزنفیلد و آ.پ. یوشکویچ، ارزشمندترین مقاله‌هایی است

که درباره‌ی توانایی و نوآوری خیام در دانش جبر و هندسه نوشته شده است. در مقاله‌هایی که به موضوع دانش ریاضی و هندسه‌ی خیام پرداخته‌اند؛ مطالبی مانند چگونگی حل معادله‌های چند مجهولی به ویژه سه مجهولی، مثلث پاسکال و دیدگاه خیام درباره‌ی خطوط متوازی تکرار شده است و همه بر بی‌مانندی خیام در دانش ریاضی تأکید می‌کنند.

درباره‌ی دانش نجومی خیام و نقش او در اصلاح تقویم جلالی نظرها متفاوت است؛ افرادی مانند محمد محیط طباطبایی در مقاله‌ای با نام «احقاق حق خازنی» (۱۳۷۰ هـ. ش) تأکید ورزیده‌اند که خیام نقش چندانی در اصلاح تقویم جلالی نداشته است و در این باره سهم خازنی بسیار پررنگ‌تر بوده است و بی‌دلیل نقش خیام پررنگ شده است. سیدحسن تقی‌زاده به گونه‌ای دیگر در مقاله‌ی «خیام و تقویم جلالی» (۱۳۴۹ هـ. ش) به جای برجسته دیدن کار خیام در نجوم، بر نوآوری‌های او در دانش جبر و ریاضی و هندسه تأکید کرده است. در این نوشته کوشش شده، شهرت گسترده‌ی خیام به دلیل تقویم جلالی و رباعیات، بررسی و نقد شود. تأکید نگارنده بر این است که در این دو مورد بیش از اندازه اغراق و مبالغه شده و بهتر بود بر چیرگی و دانایی خیام در علم جبر و ریاضی تأکید می‌شد تا رباعیات وی.

به طور کلی باید گفت، این مقاله دو نکته‌ی اساسی و بحث‌انگیز دارد که در آغاز و پایان به این دو مطلب اشاره شده است. توضیحاتی که درباره‌ی چگونگی محاسبه‌ی سال و ماه در ایران پیش از اسلام و پس از آن و تقویم جلالی ارائه شده، در جاهای دیگر نیز به آنها پرداخته شده و سخن تازه‌ای در آن دیده نمی‌شود. یکی از مطالب بحث‌انگیز این نوشته، استناد به گفته‌ی قطب‌الدین شیرازی در کتاب **تحفه‌ی شامیه** است که نگارنده با توجه به آن، این احتمال را مطرح می‌کند که خیام در اصلاح تقویم جلالی نقشی نداشته است و دلیل و سند دیگری در این باره ارائه نمی‌کند، در حالی که برای پذیرش این فرض باید دلایل استوارتری ارائه شود. در پایان نوشته، نویسنده سخن آغازین خود را باز هم تکرار می‌کند و بزرگی خیام را در مطالعات ریاضی و هندسی او به ویژه کتاب جبر و مقابله می‌داند، نه اصلاح تقویم.

پژوهشگرانی مانند محمدرضا صیاد در مقاله‌ای با عنوان «دست‌آورد بررسی‌های روش محاسبات تقویم در رصد نیم‌روزی و جدول خیامی» (۱۳۷۹ هـ. ش) و تقی بینش در

مقاله‌ای با عنوان «شخصیت علمی خیام» (۱۳۳۶ ه. ش) کوشیده‌اند، نقش ارزشمند خیام را در اصلاح تقویم و چگونگی انجام آن یادآور شوند. در حال بیشتر خیام پژوهان بر این باورند که با توجه به اسناد تاریخی، نقش خیام در اصلاح تقویم جلالی بیش از همکارانش بوده است، درباره‌ی دانش موسیقی خیام نیز مقاله‌هایی پدید آمده است. از جمله می‌توان به مقاله‌های «رساله‌ی موسیقی خیام یا خیامی» نوشته‌ی تقی بینش (۱۳۷۳ ه. ش) و «تأملی در آرای موسیقی خیام» نوشته‌ی ساسان سپینا (۱۳۷۹ ه. ش) اشاره کرد. در مقاله‌ی دوم با تفصیل و تحلیل بیشتری به دیدگاه و آرای موسیقی خیام پرداخته شده است.

مورد دیگری که در بخش موضوعی مقاله‌ها بحث انگیز بوده است، درستی یا نادرستی انتساب نوروژنامه به خیام است. مجتبی مینوی برای نخستین بار در سال ۱۳۱۲ ه. ش نوروژنامه را تصحیح و چاپ کرد و در مقدمه‌ی آن با تأثیرپذیری از صادق هدایت تأکید ورزید: «کلیه‌ی این ممیزات، از حیث زمان و مکان تألیف و طرز فکر و انشای ساده‌ی لطیف بی‌تکلف، در هر کتابی جمع شد اگر در خود کتاب هم تألیف آن به خیام نسبت داده نشده باشد، من آن را از خیام می‌دانم..» (خیام، ۱۳۸۰: بیست و شش و بیست و هفت). از آن پس نوروژنامه به صورت کتاب منتسب به خیام چاپ شد. محیط طباطبایی که به گفته‌ی خودش (در گفتگوی با مسعود خیام) در انتظار فرصتی بوده تا پاسخ رفتارهای ناشایست و تحقیرآمیز مینوی را بدهد، سخنان مینوی را درباره‌ی درستی انتساب نوروژنامه به خیام، فرصتی مناسب دانسته. از این رو مقاله‌هایی به نام «نظری به نوروژنامه‌ی چاپی» (۱۳۷۰ ه. ش) و «نوروژنامه؟» (۱۳۷۰ ه. ش) نوشته و با دلایلی اثبات کرد که نوروژنامه نوشته‌ی خیام نیست. محسن فرزانه نیز در مقاله‌ی «مؤلف نوروژنامه کیست؟» (۱۳۶۳ ه. ش) کیخسرو آذرکیوان را نویسنده‌ی کتاب نوروژنامه دانسته است. در این باره باید گفت امروزه کم‌تر کسی نوروژنامه را به این شکلی که باز مانده است، از خیام می‌داند. اما دلایل مطرح شده برای اثبات این مطلب که نوروژنامه نوشته‌ی کیخسرو آذرکیوان است، دلایل محکم و استواری نیست.

با وجود چنین دیدگاه‌هایی، محمدتقی بهار در کتاب سبک شناسی، سبک نوروژنامه را مربوط به قرن پنجم دانسته و آن را از نظر ایجاز، نداشتن مترادفات و کمی لغات عربی با سبک تاریخ بیهقی و تاریخ بلعمی همانند دانسته است که از نظر بهار می‌تواند

دلیل دیگری بر درستی انتساب نوروزنامه به خیام باشد. (بهار، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۶۲) آنچه درباره‌ی آثار فلسفی خیام می‌توان گفت، این است که خیام سه اثر فلسفی داشته با نام‌های «رساله‌ای درباره‌ی وجود» رساله‌ی «کون و تکلیف» و «پاسخ به سه پرسش» که دو رساله‌ی نخست مشهورتر است. درباره‌ی این آثار به دو مقاله‌ی ارزشمند می‌توان اشاره کرد که یکی مقاله‌ی «سخنی درباره‌ی رساله فی الوجود» نوشته‌ی غلامرضا جمشید نژاد اول (۱۳۷۹ هـ.ش) و دیگری گفتاری درباب رساله فی الکون و التکلیف، نوشته‌ی بهناز هاشمی‌پور (۱۳۷۹ هـ.ش) است. در این دو مقاله این دو اثر به خوبی معرفی شده‌اند. همچنین در این باره، کتاب **عمر خیام** نوشته‌ی علیرضا ذکاوتی قراگزلو منبع ارزشمندتری به شمار می‌رود.

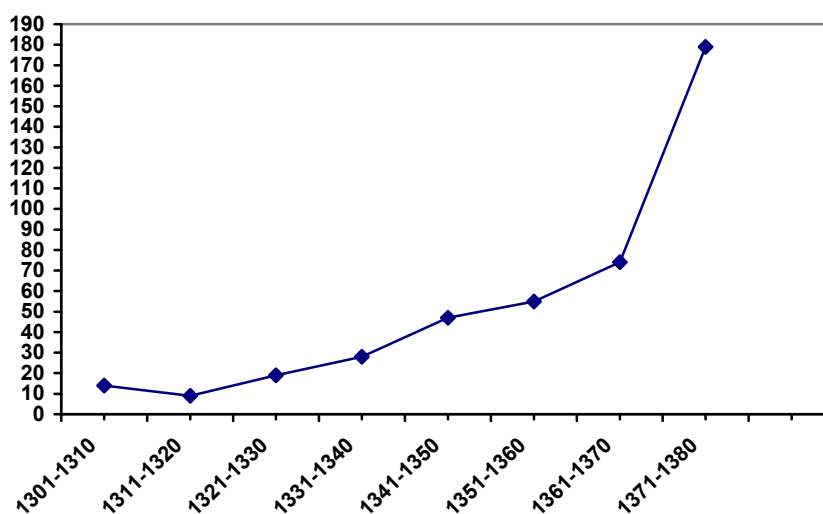
ج- بررسی توزیع زمانی کتاب‌ها

این جدول، توزیع زمانی کتاب‌ها را ده سال به ده سال نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: توزیع زمانی کتاب‌ها

درصد	تعداد	زمان
۴/۲۸	۳	۱۳۱۰-۱۳۰۱
۱۰	۷	۱۳۲۰-۱۳۱۱
۴/۲۸	۳	۱۳۳۰-۱۳۲۱
۱۴/۲۸	۱۰	۱۳۴۰-۱۳۳۱
۱۴/۲۸	۱۰	۱۳۵۰-۱۳۴۱
۷/۱۴	۵	۱۳۶۰-۱۳۵۱
۱۷/۱۴	۱۲	۱۳۷۰-۱۳۶۱
۲۸/۵۷	۲۰	۱۳۸۰-۱۳۷۱
۷۰		تعداد کل

نمودار شماره ۳: نمودار توزیع زمانی کتاب‌ها



همان‌گونه که دیده می‌شود، نمودار مربوط به کتاب‌های منتشرشده در پیوند با خیام، بسیار شبیه نمودار مربوط به مقاله‌هاست. تعداد کتاب‌های سه‌دهه‌ی نخست، در مقایسه با تعداد کتاب‌های منتشر شده با دهه‌های بعد بسیار کمتر است، اما در این سه دهه چندین کتاب ارزشمند منتشر شده که پایه‌ی مطالعات بعدی شده است:

کتاب‌های **ترانه‌های خیام** از صادق هدایت (۱۳۱۳ ه. ش)، **خیام پنداری** از صدیقی نخجوانی (۱۳۲۰ ه. ش)، **رباعیات عمر خیام** از محمدعلی فروغی و قاسم غنی (۱۳۲۱ ه. ش) و **میوه‌ی زندگانی** از عباسعلی کیوان قزوینی (۱۳۲۰ ه. ش) رویکردهایی متفاوت و گوناگون را در زمینه‌ی خیام پژوهی ارائه کرده‌اند که برای هر یک از این رویکردها در دهه‌های بعد مخالفان و موافقانی پدید آمده است. مطلب قابل توجه درباره‌ی این آثار، آن است که به شیوه‌ی صدیقی نخجوانی در کتاب خیام‌پنداری که بیشتر شعاری و با زبانی درشت، دل‌گفته‌های خود را بیان کرده بود، توجهی نشده است. البته خیام پژوهانی مانند محمدتقی جعفری و محمد محیط طباطبایی نیز میان خیام رباعی‌گو و خیام حکیم تمایز قایل شدند، ولی هیچ‌یک از آنان از دیدگاه‌های

نخجوانی بهره نگرفتند.

دهه‌ی چهارم (۱۳۳۱-۱۳۴۰ ه.ش) را باید دهه‌ی ترجمه‌ی رمان‌های عمر خیام به فارسی دانست. در این دهه کتاب ارزشمندی منتشر نشد، اما دو داستان که از سوی غیر فارسی‌زبانان درباره‌ی خیام نوشته شده بود، به فارسی برگردانده شد؛ محمد علی اسلامی ندوشن کتاب **عمر خیام** نوشته‌ی هارولد آلبرت لمب را در سال ۱۳۳۵ و عبدالله وزیری به همراه اسدالله طاهری کتاب **سه یار دبستانی** را به فارسی بازگرداندند. داستانی دیگر نیز با نام **سمرقند** در سال ۱۳۷۹ به فارسی ترجمه شد.

مبنای داستان سمرقند و دو داستان دیگر و حتی سریال تلویزیونی **عمر خیام** که مصریان آن را ساخته‌اند و تلویزیون ایران در سال ۱۳۸۴ آن را پخش کرد، حکایت **مجموع سه یار دبستانی** است. در این آثار، خیام، خواجه نظام الملک و حسن صباح نقش‌های اصلی را برعهده دارند و خیام معشوقی نیز دارد. این حکایت با توجه به پدید آمدن داستان‌های یاد شده، باعث شد ف. دوبلوا به این باور برسد که این داستان منشاء ایجاد چهره‌ای داستانی از خیام بوده است (لازار، ژیلبر، ۱۳۷۹: ۵۰-۴۹). افزون بر این شیوه‌ی ترجمه‌ی رباعیات خیام از سوی فیتز جرالده که خیام را در باغی به تصویر می‌کشد که اندیشه‌های خود را در قالب رباعی می‌سراید و باده و معشوق نیز با خیام همراه است، در پدید آمدن چنین فرضیه‌ای بی‌تأثیر نبوده است.

دهه‌ی پنجم را باید یکی از دهه‌های مهم در تاریخ خیام‌پژوهی به شمار آورد، در این دهه آثاری ارزشمند، مانند **نادره‌ی ایام حکیم عمر خیام** نوشته‌ی اسماعیل یکانی (۱۳۴۲ ه.ش) **دمی با خیام** نوشته‌ی علی دشتی (۱۳۴۴ ه.ش)، **خیامی نامه** نوشته‌ی جلال‌الدین همایی (۱۳۴۶ ه.ش) و **خیام‌شناسی** نوشته‌ی محمد مهدی فولادوند (۱۳۴۷ ه.ش) چاپ و منتشر شده است.

از میان آثار پیش گفته به کتاب **دمی با خیام** بیشتر توجه شد. شاید دلیل این توجه، موقعیت سیاسی دشتی و نیز ترجمه‌ی کتاب او به زبان انگلیسی باشد و البته نباید از محتوای ارزنده‌ی مطالب کتاب چشم پوشید.

در پژوهش‌های مربوط به خیام به کتاب‌های **خیامی نامه** و **نادره‌ی ایام، عمر خیام** توجه زیادی نشده است. شاید دلیل کم توجهی به کتاب **خیامی نامه** محتوای آن باشد که به معرفی و بررسی دقیق آثار علمی خیام پرداخته و موضوعی تخصصی است، از

این رو طالبان زیادی پیدا نکرده است. اما درباره‌ی کتاب **نادره‌ی ایام، عمر خیام جز** افسوس خوردن از تجدید چاپ نشدن این کتاب چیزی نمی‌توان گفت. این اثر گسترده‌ترین و ارزشمندترین اثری است که تا زمان انتشار آن (۱۳۴۲) در پیوند با خیام پدید آمده است. نگارنده‌ی کتاب با دقتی ستودنی، اغلب منابع معتبر قدیم و جدید را درباره‌ی خیام دیده و خیام را بر اساس این منابع و آثار موجود او بازشناسی کرده است و همچنین افزون بر معرفی منابع، این منابع و آثار موجود را بازشناسی کرده و به نقد و بررسی آنها پرداخته است. تنوع اطلاعات نیز در این کتاب در خور توجه است، به گونه‌ای که می‌توان آن را نوعی دایره‌المعارف کوچک درباره‌ی خیام و زندگی او دانست. در این کتاب تقریباً به همه‌ی اسناد و مدارک کهن و معاصر فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی و زبان‌های دیگر در پیوند با خیام اشاره شده است.

کتاب **خیام شناسی** نوشته‌ی محمد مهدی فولادوند، با افزودن چند بخش در سال ۱۳۷۹ تجدید چاپ شد. آن چه در این کتاب بیش از موارد دیگر برجسته می‌نماید. تلاش فراوان نگارنده برای اثبات این مطلب است که صادق هدایت سهم به‌سزایی هم در شناختن و هم در شناسایی خیام ندارد و افرادی که او را بنیان‌گذار خیام پژوهی در ایران می‌دانند، سخت در اشتباهند.

در دهه‌ی ششم (۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰ ه. ش) آثاری مانند **حکیم عمر خیام و زمان او**، نوشته‌ی عبدالرحیم شهولی (۱۳۵۳ ه. ش)، **خیام شناخت**، نوشته‌ی محسن فرزانه (۱۳۵۳)، **سیمای خیام** نوشته‌ی فتح‌الله همایونفر (۱۳۵۵ ه. ش) و **سیری در افکار علمی و فلسفی حکیم عمر خیام** نوشته‌ی جعفر آقایانی چاووشی (۱۳۵۸ ه. ش) پدید آمد و از میان این آثار، **سیری در افکار علمی و فلسفی حکیم عمر خیام** غنای بیشتری دارد، زیرا آثار فلسفی و علمی خیام در این اثر با دقت بررسی شده است. در آثار دیگر سخن چندان تازه‌ای دیده نمی‌شود.

در دهه‌ی هفتم (۱۳۶۱-۱۳۷۰ ه. ش) جز کتاب **تحلیل شخصیت خیام** نوشته‌ی محمدتقی جعفری کتاب مهم دیگری نوشته نشده است. این اثر به دلیل دیدگاه ویژه‌ی نگارنده نسبت به خیام و همچنین نام بلند نویسنده، نگاه برخی را به سوی خود درکشید، اما به طور کلی توجه چندانی را بر نینگیخت. شاید یکی از دلایل کم‌اقبالی این کتاب، نبود انسجام و استحکام کافی در مطالب کتاب و استدلال‌های آن باشد.

در این دهه همچنین حسن شایگان و فردین شیروانی که پیشتر چندین مقاله درباره‌ی خیام در نشریات به چاپ رسانده بودند، مجموعه مقاله‌ها را در کتابی زیر عنوان **نگاهی به خیام همراه با رباعیات**، و محمد محیط طباطبایی مجموعه مقاله‌های خود را در کتابی با نام **خیامی یا خیام** در سال ۱۳۷۰ چاپ و منتشر کردند.

در دهه‌ی هشتم آثاری مانند **خیام و ترانه‌ها**، نوشته‌ی مسعود خیام (۱۳۷۵ ه. ش.)، **عمر خیام نیشابوری حکیم و شاعر**، نوشته‌ی علیرضا ذکاوتی قراگزلو (۱۳۷۷ ه. ش.)، **عمر خیام قافله سالاردانش**، نوشته‌ی رحیم رضازاده‌ی ملک (۱۳۷۷ ه. ش.)، **خیام نامه** نوشته‌ی اصغر برزی (۱۳۷۷ ه. ش.)، **آزاداندیشی خیام و حافظ** نوشته‌ی فرج الله شریفی گلپایگانی (۱۳۷۸ ه. ش.)، **مجموعه‌ی دو جلدی فرهنگ**، ویژه‌ی بزرگداشت خیام (جلد نخست آن در سال ۱۳۷۸ و جلد دوم آن در سال ۱۳۸۰ چاپ و منتشر شد) و **کتاب شناسی عمر خیام**، نوشته‌ی فاطمه و زهرا انگورانی چاپ و منتشر شده است.

از میان این آثار، سه کتاب نخست اهمیت بیشتری دارند، یکی از آنها کتاب **خیام و ترانه‌ها** است که به دلیل چاپ گفت و گوی منتشر نشده‌ی نگارنده با محمد محیط طباطبایی قابل توجه است و کتاب دیگر، **عمر خیام نیشابوری حکیم و شاعر** است. بخش ششم کتاب (رباعیات خیام میان فلسفه و کلام) یکی از مناقشه آمیزترین فصول کتاب است؛ زیرا مباحث این فصل بر پایه‌ی رباعیاتی بنا شده که صحت انتساب آن‌ها برای خواننده روشن نیست و به ناچار آن چه در کف خواننده می‌ماند، احکام بدون سندی است که رد و قبول آن‌ها بستگی به این دارد که خواننده هم آن رباعیات را بپسندد یا نه؟ «در مجموع می‌توان گفت کتاب عمر خیام آن جا که قصد معرفی اندیشه‌های فلسفی و کلامی خیام و ترسیم محیط فکری سده‌های پنجم و ششم هجری را بر اساس متون دست اول دارد، تا حدودی به توفیق دست یافته است، اما بخش نقد و بررسی و گزینش رباعیات در روشی کاملاً مستند و مستدل ناکام مانده و اطلاعات و تحلیل‌های جالبی که بعضاً ارائه شده به دلیل نبود انسجام و ترتیب به چشم نمی‌آید...» (میرافضلی، سید علی، ۱۳۷۷: ۳۹)

رحیم رضا زاده‌ی ملک دو کتاب در سال ۱۳۷۷ منتشر کرده است؛ یکی با عنوان **دانش نامه‌ی خیامی و دیگری عمر خیام، قافله سالار دانش**. در کتاب نخست، مؤلف، سیزده رساله‌ی فارسی و عربی خیام را یک جا گرد آورده و ترجمه‌ی تعدادی از رسایل

عربی او را که در آثار گذشتگان و معاصران موجود بوده، در کنار اصل اثر درج کرده است. این کتاب اگر چه کتاب بدیع و تازه‌ای نیست، اما مؤلف توانسته اطلاعات موجود را از روی منابع و مآخذ جمع آوری و به صورت یک جا به علاقه‌مندان عرضه کند.

حدود سه چهارم کتاب دوم، درست با همان الفاظ، از کتاب دانش نامه‌ی خیامی اخذ شده‌است. مقایسه‌ی این دو کتاب، روشن می‌کند که مؤلف در فاصله‌ی چاپ آنها موفق به مطالعه‌ی تعدادی دیگر از منابع شده، پاره‌ای از اطلاعات کتاب قبلی را اصلاح کرده و نکاتی بر آنها افزوده است. اگرچه جای تدوین کتابی جدید، مطالب از قلم افتاده و اصلاحات انجام گرفته در چاپ دوم دانش نامه‌ی خیامی اعمال می‌شد، شایسته‌تر بود.

یکی دیگر از آثار ارزشمند که در سال ۱۳۸۱ پدید آمد، کتاب **کتاب‌شناسی عمر خیام**، نوشته‌ی فاطمه انگورانی و زهرا انگورانی است. در این کتاب مقاله‌ها و کتاب‌های پدید آمده به زبان‌های گوناگون در پیوند با خیام معرفی شده است و کوشش فراوان گردآورندگان این اثر را باید ارج نهاد، چون این اثر می‌تواند پژوهشگران و علاقه‌مندان خیام را در گستره‌ی خیام پژوهی یاری دهد، هر چند تعدادی از مقاله‌های پدید آمده در پیوند با خیام از قلم افتاده است و معرفی برخی از مقاله‌ها نیاز به ویرایش دارد.

نتیجه‌گیری

۱. کارنامه‌ی خیام پژوهی در ایران مانند کارنامه‌ی پژوهش‌های صورت گرفته در پیوند با بسیاری دیگر از بزرگان این مرز و بوم، ضعف‌ها و قوت‌های قابل توجه دارد؛ یکی از وجوه شایسته‌ی کارنامه‌ی خیام پژوهی سیر صعودی شمار مقاله‌ها و کتاب‌هایی است که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰ پدید آمده‌اند. این آثار از تنوعی قابل توجه نیز برخوردارند. توجه بسیاری از اندیشمندان، منتقدان و سخنوران جهان به آثار خیام بویژه رباعیات او، از نکات درخشان دیگری است که شایسته‌ی توجه است. با این همه در کارنامه‌ی خیام‌پژوهی بسیاری از نوشته‌های پدید آمده، تکراری، ناستوار و غیر علمی‌اند. از همین رو و با توجه به این که به دلیل ضعف منابع اطلاعاتی، معمولاً دسترسی پژوهشگران به بیشتر نوشته‌ها، ناممکن است، ضرورت تدوین کتاب‌شناسی‌های توصیفی-تحلیلی بسیار بایسته می‌نماید.

۲. چنان که در نمودارهای زمانی مقاله‌ها و کتاب‌ها نشان داده شد، نمودار مربوط به

کتاب‌های منتشرشده در پیوند با خیام، بسیار شبیه نمودار مربوط به مقاله‌ها بود، تعداد کتاب‌ها و مقاله‌های منتشر شده در سه دهه‌ی نخست در مقایسه با تعداد کتاب‌ها و مقاله‌های منتشر شده در دهه‌های بعد کمتر است، اما در این سه دهه چندین کتاب و مقاله‌ی ارزشمند منتشر شده که پایه‌ی مطالعات بعدی شده است. در دهه‌های بعد به آثار فلسفی و کلامی خیام، ترجمه و نقد آثار پدید آمده درباره‌ی او و بررسی رباعی‌های خیام بارویکردهای نو (بسیار محدود) توجه شده است. البته هنوز جای بسیاری از پژوهش‌های زبان‌شناسی و زیبایی‌شناسی در کارنامه‌ی خیام پژوهی خالی است.

منابع

- برای تدوین این مقاله همه‌ی کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در پیوند با خیام پدید آمده از نظر گذرانده شده است. اما فهرست مآخذی که به صورت مستقیم از آن‌ها بهره برده شده است به شرح زیر است:
- آقایانی چاووشی، جعفر (۱۳۵۸) سیری در افکار علمی و فلسفی حکیم عمر خیام نیشابوری. تهران، انجمن فلسفه‌ی ایران.
- بیهقی، علی بن زید (۱۳۱۸) تتمه‌ی صوان الحکمه، ترجمه‌ی ناصرالدین بن عمده الملک منتخب الدین، منشی یزدی. تهران، شرکت سهامی چاپ خودکار.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۵) تحلیل شخصیت خیام، تهران، کیهان.
- خیام، مسعود (۱۳۷۵) خیام و ترانه‌ها، تهران، نثر نخستین.
- دشتی، علی (۱۳۸۲) دمی با خیام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ذکاوتی قراگزلو، علی‌رضا (۱۳۷۹) عمر خیام: حکیم و شاعر، تهران، طرح نو.
- صدیقی نجوانی (۱۳۲۱) خیام پنداری، و پاسخ افکار قلندر راعزی او، تبریز، بی‌نا.
- خیام (۱۳۲۱)، رباعیات خیام با مقدمه و حواشی به اهتمام محمد علی فروغی و قاسم غنی، تهران، رنگین.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۸) تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، تهران، فردوسی.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۳۴۸) خیام شناسی. تهران، فروغی.
- لازار، ژیلبر (۱۳۷۹) خیام، شاعر مرموز، ترجمه‌ی سیروس ذکا، هستی.
- میرافضلی، سیدعلی (۱۳۷۸) «کارنامه‌ی خیام پژوهی در سال ۱۳۷۷»، نشریه دانش، سال ۱۶، شماره‌ی ۲.
- هدایت، صادق (۱۳۷۷) مقدمه‌ای بر رباعیات خیام، به اهتمام احمد قنبری توپسرکان، تاخ.
- یکانی، اسماعیل (۱۳۴۲) نادره‌ی ایام حکیم عمر خیام، تهران، انجمن آثار ملی.